

نوروز خوانی

(۲۵ ترانه نوروزی و بهاری)

■ نوروز خوانی

(۲۵ ترانه نوروزی و بهاری)

■ پژوهش: محمدرضا درویشی

■ انتشارات آروین، چاپ اول، ۱۳۷۶

● محمد میرشکرایی

چند لحاظ می‌تواند برای علاقمندان به موسیقی و ترانه‌های محلی و ترانه‌های نوروزی قابل استفاده باشد.

به لحاظ قطع کوچک آن، که می‌تواند همیشه همراه باشد، به لحاظ نفاست چاپ آن که ماندگار است و زود از بین نمی‌رود، به لحاظ نت‌نویسی و چاپ هر ترانه در دو صفحه مقابل هم، که دسترسی و مقایسه را آسان می‌کند، و سرانجام به لحاظ دانستن صورت محلی و فارسی ترانه‌ها، که آن را برای همه مردم قابل استفاده کرده است. بنا به توضیح متن، اشعاری که نوروزی‌خوانان می‌خواندند شامل چند بخش است.

۱- ستایش خداوند و مدح پیامبر (ص) و امامان (ع)

و...

۲- مدح و ثنای صاحب‌خانه. و در اینجاست که هنر بداهه‌پردازی نوروزی‌خوانان رخ می‌نماید.

۳- توصیف بهار و نوروز.

درویشی، درباره نوروزی‌خوانان می‌نویسد که اینان خنیاگران گمنام و دوره‌گردی بودند که از حدود پانزده روز مانده به بهار، بر در هر خانه‌ای بهار و نوروز را نوید می‌دادند. این خنیاگران به صورت منفرد و یا در قالب گروه‌های دو و سه و چهار نفری حرکت می‌کردند. از جمله خصوصیات مهم نوروزی‌خوانان - به‌سان همه خنیاگران - بداهه‌سرایی بود.

نغمه‌های نوروزی گردآوری شده از این خنیاگران بسیار ساده و روان است. چون خودشان در کار موسیقی حرفه‌ای نیستند و مخاطبانشان هم مردمان روستایی‌اند که خود در سادگی و پالایش نغمه‌های نوروزی مؤثر بوده‌اند.

موسیقی نوروز خوانی، یک موسیقی صرفاً آوازی است. جمله‌های موسیقی اغلب کوتاه‌اند. و از یک «تتراکورد» فراتر نمی‌روند، مرتب تکرار می‌شوند، و با هر تکرار به سبب انطباق با شعر، تغییرات چندی را پذیرا می‌شوند.

در این اثر، موسیقی مربوط به بهار و نوروز در چهار گروه اصلی طبقه‌بندی شده است. به عبارت دیگر، این

«نوروز خوانی» یا «نوروزی خوانی»، رسم زیبایی است که می‌رود تا به خاطره‌ها بپیوندد. یکی از گونه‌های این رسم، که به روزگار ما هنوز نیمه جانی دارد، «تکم خوانی» است؛ آن هم شاید به برکت جاذبه عروسک «تکم»، که به لحاظ صورت نمایشی آن پایش به عرصه نمایش‌های امروزی کشیده شده است. به جز این، به ندرت آوای این پیشاهنگان نوروز را در آبادی‌های کوچک و دورافتاده، در بن دره‌های جنگلی البرز می‌توان شنید. شاید دیر یا زود این واپسین آواهای شادبانه خاموش شوند، و آیندگان صحنه‌های بازسازی شده دسته‌های نوروزی‌خوان را بر صفحه تلویزیون‌ها به تماشا بنشینند و شرح آن را در کتاب‌ها بخوانند.

محمدرضا درویشی، که از معدود دست‌اندرکاران پژوهش موسیقی در ایران است، با انتشار حاصل تحقیقاتش در کتابچه کوچک نوروز خوانی، در این راهگامی بلند برداشته است. این کتابچه در شصت و پنج صفحه با کاغذ و چاپ خوب، و در قطع بیاض، در سال ۱۳۷۶ توسط نشر آروین در تهران منتشر شد.

«نوروز خوانی» شامل بیست و پنج ترانه نوروزی است، که هر کدام یک تا چند بند دارد. ترانه‌ها، هم به زبان و گویش محلی نقل شده‌اند و هم ترجمه روان فارسی دارند. آهنگ‌های ترانه‌ها نیز با الفبای موسیقی ثبت و در صفحه رو به‌روی ترانه آورده شده‌اند. از این تعداد یازده ترانه مربوط به گیلان و تالش، هشت ترانه از منطقه مازندران، سه ترانه از خراسان و سه ترانه از هرمزگان است. اگرچه بنا به نوشته متن، در منطقه بررسی شده، رسم نوروز خوانی بیش از سایر مناطق معمول بوده است؛ اما به هر حال در این کتابچه جای خالی نوروز خوانی‌های مناطق دیگر و از جمله تکم خوانی آذربایجان که از آن یاد شده نمایان است.

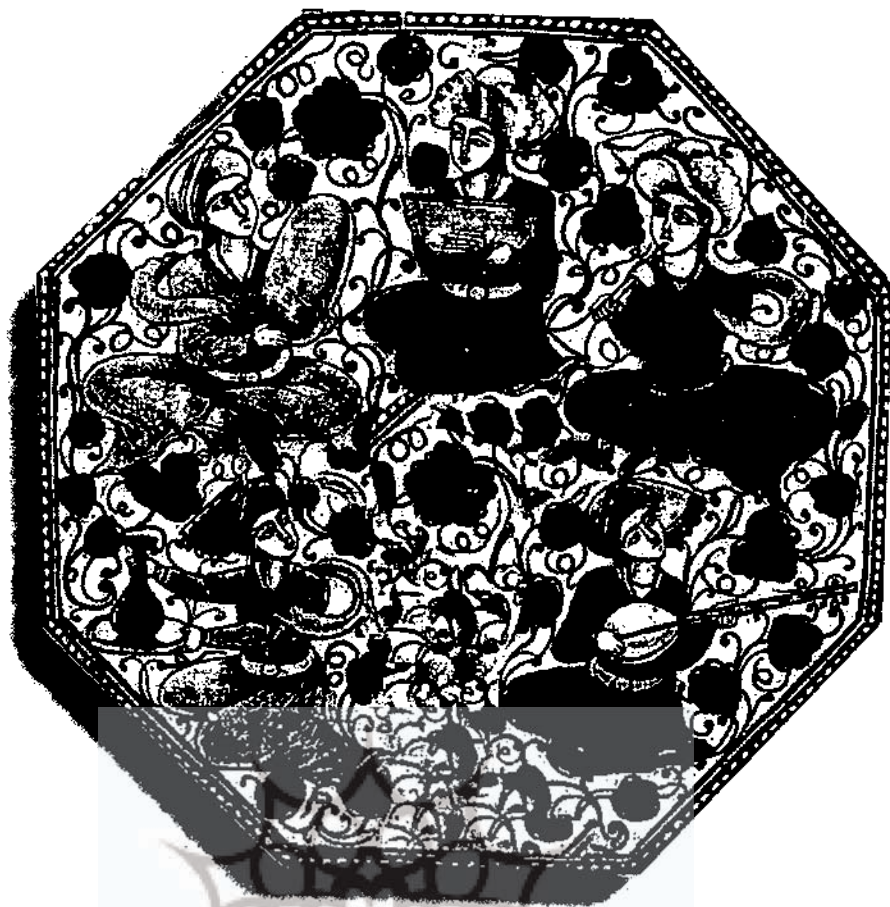
امید است آقای درویشی، این پژوهش را در سایر مناطق ایران، و حتی خارج از مرزهای سیاسی امروز ایران پی بگیرند و دفترهای دیگری از نوروزنامه‌ها را در اختیار دستداران بگذارند.

این کتابچه، علاوه بر ارزش پژوهشی که دارد، به

ترانه‌های نوروزی و بهاری

پژوهش محمدرضا درویشی





موسیقی تا به روزگار ما در چهار بستر و یا بر چهار محمل، جریان و استمرار یافته است، نوروزخوانی، ترانه‌های بهاری، گوشه‌های موسیقی ایرانی و نمایش‌ها و خرده‌نمایش‌ها. توضیح کوتاه هر یک بنا به متن کتابچه چنین است:

این نوروزخوانی / - نوروزخوانی (= نوروز و نوسال و بهارخوانی و...) تا چند دهه پیش در برخی نواحی ایران به خصوص البرز شمالی و جنوبی (مازندران، گیلان، تالش، کومش و طالقان) رواج داشت و امروز نیز به شکل خیلی پراکنده در روستاهای دوردست این نواحی مشاهده می‌شود. استنباط می‌شود که مضمون این آئین در قبل از اسلام در ستایش اهورا مزدا، مدح شاهان و امیران و بزرگان، و مردم گشاده دست بوده است. این آئین پس از اسلام و به ویژه از دوران صفوی خود را با مضامین روایات و احادیث اسلامی، به ویژه شیعه منطبق کرد و به حیات خود ادامه داد.

ترانه‌های بهاری / - در برخی نواحی ایران، که آئین نوروزخوانی آنگونه که ذکر شد متداول نبود، بهار و نوروز در قالب ترانه‌هایی توصیف می‌شد که خنیاگران غیرحرفه‌ای آن را اجرا نمی‌کردند. به این لحاظ پیچیده‌تر و شکل یافته‌تر بودند و معمولاً با چند ساز همراهی می‌شدند.

ردیف دستگاهی موسیقی ایران / - امروزه در ردیف دستگاهی موسیقی ایران، چند گوشه با عناوین نوروزعرب، نوروز صبا، نوروز خارا، در دستگاه همایون اجرا می‌شود. قدر مسلم آن است که این گوشه‌ها

بازمانده و تداوم یافته نمونه‌هایی، در موسیقی مقامی قدیم ایران است.

نمایش‌ها و خرده‌نمایش‌های منسوخ شده / - در این زمینه می‌توان به کوسه برنشین یا کوسه گلین اشاره کرد، که در متون اسلامی به صورت «رکوب الکوسج» به ثبت رسیده است.

محتوای این نمایش آئینی، بیرون راندن نمادین سرما و زمستان و استقبال از بهار بوده است. این نمایش تا چندین دهه پیش، به ویژه در روستاهای آذربایجان رواج داشته است. در این زمینه از نمایش‌های نمادین «میرنوروزی»، «حاجی فیروز» و «جشن سوری» را نیز می‌توان نام برد. اغلب این نمایش‌های نمادین، توأم با موسیقی و آواز بوده است.

و اما نکاتی چند، درباره آنچه که نقل شد: این که بخشی از ترانه‌ها در مدح و ستایش پروردگار و مقدسان خوانده می‌شده است، بی‌تردید به لحاظ منشأ اعتقادی این رسم است که به درستی در مقدمه به آن اشاره داشته‌اند. و همین، عنصر درونی یا بن‌مایه این آئین بوده است که آن را تا به زمان صفویان و قضای مناسب آن روزگار کشانده است و بی‌تردید تا آن زمان خود مراحل از همگونی با آئین و شرایط جدید را گذرانده بوده است.

اما در مورد این که نوروزخوانی بیشتر در مدح شاهان و امیران روزگار و مردمان گشاده دست بوده است، این توضیح را که نویسنده گرامی بی‌تردید خود به

آن آگاهی دارند، لازم می‌داند که، در بیشتر نزدیک به تمام موارد، جنبه‌های مردمی آئین‌ها و مراسمی که برگزار می‌شده، ثبت و ضبط نگردیده، و در نتیجه در صفحات کتاب‌های تاریخ جای نیافته است.

نوروزی‌خوانان به خانه‌های یک یک مردم، از دارا و ندار، می‌رفتند، چنان که در نمونه‌های یاقی مانده نیز چنین است؛ از ترانه‌هایی هم که در کتابچه نوروزخوانی آورده‌اند، چنین برمی‌آید.

نوروزی‌خوانان همه جا گشاده‌دستی صاحب‌خانه را ستایش کرده‌اند و اگر هدیه‌ای دریافت نکرده‌اند، به جای این که دعا گویند، به طنز او را نکوهیده‌اند. البته روشن است که هر یک از رسم‌ها که صورت همگانی دارد، در خانه بزرگان روستا و شهر و کشور، (کدخدای و حاکم و پادشاه) نیز برگزار می‌شده، و بی‌تردید بنا به مرتبه هر کدام تفصیل بیشتری داشته است.

«کوسه برنشین» و «کوسه گلین»، هر دو صرف نظر از اشتراک در شخصیت کوسه، دارای بن مشترک نیستند. کوسه برنشین در شمار رسم‌های مقدمه سال بوده، که در بسیاری از شهرهای ایران و از جمله در شیراز (التفهیم، بیرونی) برگزار می‌شده است. و کوسه گلین که با تفاوت‌هایی در بیشتر نقاط ایران برگزار می‌شد، رسم باران‌خواهی است و برگزاری آن تا زمان معاصر نیز معمول بود.

در پایان باز هم ارج می‌گذارم کار پرازش آقای درویشی را در ثبت و ضبط ترانه‌ها و آوانگاری موسیقایی آنها، که ماندگاریشان را در پی دارد. □